

حقوق تطبیقی

حقوق ایران و فرانسه

(۳)

موضوع مورد توجه قرار گرفته و مرجع رسیدگی تعیین شده است مثل قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که اولی این امر را در صلاحیت " شورای قانون اساسی " و دومی در صلاحیت " شورای نگهبان " قرار داده است در برخی از کشورها مانند جمهوری ایرلند صلاحیت رسیدگی به این موضوع بدادگاه استیناف یا دیوان کشور واگذار شده است .

۲ - در بعضی از ممالک مانند ایالات متحده آمریکا با اینکه صلاحیت رسیدگی به این مسأله بطور صریح در قانون اساسی پیش بینی نشده است ولی عملاً قوه قضائیه باین موضوع رسیدگی و قانون مخالف قانون اساسی را بی اثر اعلام می نماید . دیوان کشور آمریکا در سال ۱۸۰۳ در دعوائی که تحت رسیدگی داشت قانون عادی را مغایر قانون اساسی تشخیص داد و آنرا باطل اعلام کرد . از این تاریخ به بعد صلاحیت رسیدگی به این موضوع در آمریکا در اختیار دیوان عالی کشور قرار گرفت است .

۳ - در پارهای از ممالک قانون اساسی در این مورد ساکت است و قوه قضائیه نیز مداخله ای در این امر نمی نماید . در این کشورها عقیده بر اینست که به مجلس باید اعتماد کرد که از اختیارات و حدود خود تجاوز نخواهد کرد و دلیلی وجود ندارد که قوه قضائیه بیش از قوه مقننه به مفهوم مقصود قانون اساسی آشناتر و یا اینکه بیش از قوه مقننه مورد اعتماد و اطمینان مردم باشد . قانون اساسی جمهوری سوم فرانسه

مغایرت قوانین عادی با قانون اساسی باید به یک هیأت مستقل واگذار شود تا قوانین مخالف با قانون اساسی را بلا اثر اعلام یا برای تجدید نظر به قوه مقننه برگرداند . بعضی از حقوقدانان این وظیفه را از جمله وظایف محاکم دادگستری دانستند و برخی از علمای حقوق معتقدند که تشخیص این امر با مجلس یا مجالسی است که قوانین عادی را تصویب میکنند و استدلال میکنند که پارلمان مظهر اراده و حاکمیت ملی است و نباید کسانی که فاقد این حاکمیت هستند بتوانند تصمیمات پارلمان را بلا اثر نمایند . بخصوص در مورد محاکم دادگستری گفتند که این امر بآنها اجازه میدهد که در امور قوه مقننه مداخله نمایند و این ترتیب را مغایر با اصل تفکیک قوا دانستند .

قانون اساسی کشورهای مختلف را از این لحاظ میتوان به سه دسته تقسیم کرد :

۱ - در برخی از قوانین اساسی این

در این مقاله بطور اختصار " شورای نگهبان " در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و " شورای قانون اساسی " مذکور در قانون اساسی فعلی فرانسه (قانون اساسی ۱۹۵۸) مورد بررسی و مقایسه قرار میگیرد بعد از ذکر مقدمای وارد مطلب اصلی میشود .

مقدمه

در مقدمه نخست مسأله تعارض قانون اساسی با قانون عادی و سپس این مسأله را در تاریخ حقوق ایران و فرانسه مطالعه و بررسی میکنیم .

الف : تعارض قانون عادی با قانون اساسی
مسأله اینست که چه مرجعی میتواند قوانین عادی مغایر با قانون اساسی را تشخیص دهد و از اجرای چنین قوانینی جلوگیری کند . حقوقدانان دنیسا در اینخصوص نظریه واحدی ابراز نکرده اند ، عدای از حقوقدانان معتقدند که تشخیص

در این مورد ساکت بود و حقوقدانان فرانسوی در این دوره (۱۸۷۵-۱۹۲۶ میلادی) اعتقاد داشتند که رسیدگی و دخالت محاکم دادگستری در مصوبات قوه مقننه و انطباق این مصوبات با قانون اساسی و احیاناً ابطال مصوبه مجلس عملی ناصحیح و بر خلاف اصول حقوقی است. این نظریه مورد قبول حقوقدانان برخی از کشورهای اروپایی مانند بلژیک، سوئد و دانمارک قرار گرفته است.

ب- بررسی تاریخی حقوق ایران و فرانسه در این مورد:

مسئله تعارض قانون عادی با قانون اساسی را از لحاظ تاریخی، نخست در حقوق ایران و سپس در حقوق فرانسه مورد بحث و بررسی قرار میدهم.

۱- حقوق ایران

در قانون اساسی سابق ایران (قانون اساسی مصوب ۱۲۸۵ شمسی و متمم قانون اساسی مصوب ۱۲۸۶ شمسی) در مورد تعارض قانون عادی با قانون اساسی هیچگونه پیش بینی نشده بود و قوانین مذکور در این خصوص ساکت بودند و اکثر حقوقدانان نیز عقیده داشتند که تشخیص مفایرت قوانین عادی با قانون اساسی بمعهد خود مجالس قانونگذاری است و محاکم دادگستری از اعمال این حق محرومند و مکلف میباشند کلیه قوانینی را که با رعایت تشریفات مقرر در قانون اساسی و متمم آن به تصویب رسیده و توشیح و ابلاغ شده هر چند با قانون اساسی مفایرت داشته باشد اجرا کنند. ولی در متمم قانون اساسی مسأله دیگری پیش بینی شده بود و آن اینکه مرجعی بمنظور رسیدگی و تشخیص مفایرت مصوبات مجلس با احکام شرع مقدس اسلام در نظر گرفته بودند. اصل دوم متمم قانون اساسی در این مورد مقرر میباشند:

"مجلس مقدس شورای ملی که به توجه و

تا بید حضرت امام عصر - عجل الله تعالی فرجه و ... مراقبت حجج اسلام کثر الله امثالهم - و عامه ملت ایران تأسیس شده است باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام (ص) نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامی بر عهده علمای اعلام - ادام الله برکات وجودهم - بوده و هست لهذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار هیاتی که کمتر از پنج نفر نباشند از مجتهدین و ققهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند باین طریق که علمای اعلام و حجج اسلام مرجع تقلید شیعه امامی بیست نفر از علماء که دارای صفات مذکور باشند معرفی بمجلس شورای ملی بنمایند پنج نفر از آنها را یا بیشتر بمقتضای عصر، اعضای مجلس بانطاق با حکم فرعه تعیین نموده بیست عضویت بشناسند تا موادی که در مجلسین عنوان میشود بدقت مذاکره و بررسی نموده هر یک از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح و رد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیأت علماء در این باب مطاع و متبع خواهد بود و این ماده تا زمان ظهور حضرت حجت عصر (عج) تغییر پذیر نخواهد بود.

فناطه بجهاتی این اصل جز در یکی دو دوره اولیه مجلس دیگر اجرا نگردید و چنین هیاتی نه از طرف مراجع عظام پیشنهاد و نه از طرف مجلس درخواست شدند. باستناد عدم اجرای اصل دوم متمم قانون اساسی بود که مراجع عظام و علمای اعلام بویژه بعد از قیام بانزدهم خرداد ۴۲ مصوبات مجلسین شورا و سنا را غیر قانونی اعلام کردند.

۲- حقوق فرانسه

قانون اساسی ۱۷۹۹ فرانسه که بعد از کودتای ناپلئون تدوین گردید و تا سال

۱۸۰۲ که حکومت جمهوری به امپراتوری تبدیل شد حکومت داشت برای تصویب قوانین چهار مجلس در نظر گرفته بود از جمله این مجالس مجلس سنا بود، این مجلس که دارای هشتاد عضو بود و مادام العمر از طرف کنسول اول انتخاب میشدند موظف بود قانونی را که مخالفت با قانون اساسی داشت بلا اثر اعلام نماید.

قانون اساسی ۱۸۵۲ که رژیم جمهوری و قانون اساسی ۱۸۴۸ را ملغی نمود نیز هیأتی بنام سنا ایجاد کرد این هیأت موظف بود که قبل از ابلاغ و اجرای قوانین مصوب پارلمان آنها را از لحاظ عدم مباحثت با قانون اساسی مورد بررسی قرار داده و قوانین مغایر با قانون اساسی را گان لم یکن اعلام کند. قانون اساسی مزبور تا سال ۱۸۷۵ حکومت داشت.

بعد از جنگ جهانی دوم قانون اساسی ۱۸۷۵ با فرزندم ملغی و قانون اساسی جمهوری در ۱۳ اکتبر ۱۹۴۶ در یک همه پرسی تصویب گردید برطبق ماده ۹۰ قانون اساسی مذکور هیاتی بنام کمیته قانون اساسی ایجاد گردید، که اعضای آن مرکب بودند از:

- رئیس جمهوری بعنوان رئیس کمیته
- رئیس مجلس ملی
- رئیس شورای جمهوری
- هفت نفر که از طرف مجلس ملی انتخاب میشدند.

- سه نفر که از طرف شورای جمهوری انتخاب میگرددند.

این کمیته بنا بدخواست رئیس جمهوری با رئیس شورای جمهوری، مصوبه پارلمان را مورد بررسی قرار میداد و در صورت مباحثت مصوبه مذکور با قانون اساسی به رئیس جمهوری پیشنهاد میکرد که از ابلاغ و اجرای آن امتناع نماید تا پارلمان قانون مزبور را مورد تجدید نظر قرار دهد.

قانون اساسی ۱۹۴۶ با تصویب قانون اساسی جمهوری پنجم که در ۲۸ سپتامبر ۱۹۵۸ در یک همه پرسی تصویب گردید، ملغی شد. ادامه دارد.